

شاعر: رودابه حمزه ای

آهنگساز: سعید انصاری

آن روز محمد از نگاهش بر چهره دشت نور پاشید  
از پشت تمام تیرگی ها خورشید به روی دشت خندید  
از دعوت آسمانی او ، آرام علی زجای برخاست  
او گفت پس از غروب خورشید ، این رود زلال حکم فرماست  
آهسته به روی دشت بارید ، لبخند فرشتگان زیبا  
هم دشت غدیر پر شد از شوق ، هم کوچه ی قلب آسمان ها  
امروز که باز روز عید است ، هر چند که علی میان ما نیست  
آن رود زلال و صاف و شبنم ، در سینه ی آفتاب جاریست